

نور مطبوعات را در این تاریکی روشن نگه داریم

گپ‌گفتنی با رضا خجسته رحیمی، سردبیر ماهنامه اندیشه پویا، در زمانه عسرت رسانه‌ها

چندی پیش مصطفی ملکیان، روشن فکر زمانه ما در تبیین وظیفه اصلی رسانه‌ها و خاستگاه آن‌ها در کشور، از ۲ رسالت نام برد؛ یکی اینکه خوشبخت‌های مردم را الفاکند و یکی هم اطلاعات به مردم بدهند؛ باید علم و قدرت تفکر را به مردم اضافه کنند. ملکیان معتقد است اگر تمام رسانه‌های یک جامعه دموکراتیک در فکر این باشند که خوشبختی‌ها یا اطلاعات مردم را بیفزایند و نه قدرت تفکر و عاقلشان را در این صورت رسانه‌ها خدمتی نکرده‌اند، به وضعیت امروز مطبوعات که بنگریم با خود می‌گوییم آن دوران بهار مطبوعات ایران کجا و ما کجا! اما خاطرم‌ان از آن دوران هنوز خوش است، اما چه کنیم که همیشه سیر اتفاقات بر وفق مراد ما نبست. حالا در این روزگار عسرت رسانه‌های مکتوب برای اطلاع از چگون و وضعیت فعلی مطبوعات به سراغ رما خجسته رحیمی، روزنامه‌نگار مهندسی، رقیم که چندسالی با سردبیری ماهنامه اندیشه پویا، در سطح ملی رنگ و بوی تازه‌ای به مطبوعات نخگانگی داده کرده و از کفای مورد استقبال جمع کثیری از خوانندگان قرار گرفته است. او در این گفت‌وگو از بحران اعتماد نداشتن به مطبوعات، روشن فکران و حتی دانشگاهیان می‌گوید و البته برای خروج از این وضعیت امیدوار است. به بهانه یاد‌دهمین سالگرد انتشار شهرآرا به عنوان روزنامه، با خجسته‌رحیمی گپ‌گفتنی داشته‌ایم که بخش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید.



مهرداد موختاریان

● در روزگاری که گفته می‌شود مطبوعات رو به مرگ‌اند، چگونه می‌توانیم امیدوار باشیم؟
مطبوعات در حالی شبیه به احتضار به سر می‌برند، اما من ترجیح می‌دهم از واژه مرگ مطبوعات استفاده نکنم. مطبوعات ما نشانسان به شماره افتاده است اما ما محکومیم به اینکه به بازگشت مرجعت اجتماعی مطبوعاتمان امیدوار باشیم. البته این امیدواری در ما تکلیف می‌کند که در چرایی وضعیت بحرانی اعتمادبه رسانه‌ها تأمل کنیم. واقعیت این است که مابه فقط با چران اعتماد به رسانه‌ها، که با چران اعتماد به نخگان، با چران اعتماد به روشن فکران، و با چران اعتماد به دانشگاهیان نیز مواجهیم. در یک گفت‌و‌انداز کلی، واقعیت این است که در حال‌سای گذشته از نهادهای مهم و اثر گذار ما مر جعت‌زدایی شده است. دانشگاه مرجعت خود را از دست داده است و ما دانشگاهمان را فقیر کرده‌ایم. مطبوعات ما مرجعت خود را از دست داده‌اند و از آن‌ها مرجعت ستانی شده است. تأثیر گذاری روشنفکری ما اندک است. چرا که از درخت نه تنها آبیاری نشده که چنان غلف‌ه‌ری پنداشته و چرخ‌مسوم بلا شده است. از این حیث باز هم تأکید می‌کنم که مطبوعات ما در یک شرایط استثنایی قرار ندراند. اصولاً نهادهای عرصه عمومی جامعه مدنی با در سای‌های گذشته به عنوان نهادهای میانی، جایگاه خود، از دست داده‌اند، چرا که نهاد قدرت و دولت-اصولاً به‌رم همه شمارهایی که در باره اهمیت این نهادهای ه‌مد، چندان آرزویی برای این نهادهای و اثر آن‌ها قائل نیست. عبور از این وضعیت اضطرار و احتضار احتیاج دارد به یک بازنگری در نوع مواجهه حاکمیتی با نهادهای میانی‌ا جمله مطبوعات. تا آن زمان و به امید چنین تحولی در نگاه حاکمیت، ما البته باید محافظان سنگرم مطبوعات باشیم و نشان دهیم که به‌رم تمامی بحران‌ها، همچنان به‌راه ما محافظان خود هستیم، چراغ به دست، کاستی‌ها را می‌ببینیم و ادر امور می‌کنیم.

● روزگاری که گفته می‌شود مطبوعات رو به مرگ‌اند، چگونه می‌توانیم امیدوار باشیم؟
مطبوعات در حالی شبیه به احتضار به سر می‌برند، اما من ترجیح می‌دهم از واژه مرگ مطبوعات استفاده نکنم. مطبوعات ما نشانسان به شماره افتاده است اما ما محکومیم به اینکه به بازگشت مرجعت اجتماعی مطبوعاتمان امیدوار باشیم. البته این امیدواری در ما تکلیف می‌کند که در چرایی وضعیت بحرانی اعتمادبه رسانه‌ها تأمل کنیم. واقعیت این است که مابه فقط با چران اعتماد به رسانه‌ها، که با چران اعتماد به نخگان، با چران اعتماد به روشن فکران، و با چران اعتماد به دانشگاهیان نیز مواجهیم. در یک گفت‌و‌انداز کلی، واقعیت این است که در حال‌سای گذشته از نهادهای مهم و اثر گذار ما مر جعت‌زدایی شده است. دانشگاه مرجعت خود را از دست داده است و ما دانشگاهمان را فقیر کرده‌ایم. مطبوعات ما مرجعت خود را از دست داده‌اند و از آن‌ها مرجعت ستانی شده است. تأثیر گذاری روشنفکری ما اندک است. چرا که از درخت نه تنها آبیاری نشده که چنان غلف‌ه‌ری پنداشته و چرخ‌مسوم بلا شده است. از این حیث باز هم تأکید می‌کنم که مطبوعات ما در یک شرایط استثنایی قرار ندراند. اصولاً نهادهای عرصه عمومی جامعه مدنی با در سای‌های گذشته به عنوان نهادهای میانی، جایگاه خود، از دست داده‌اند، چرا که نهاد قدرت و دولت-اصولاً به‌رم همه شمارهایی که در باره اهمیت این نهادهای ه‌مد، چندان آرزویی برای این نهادهای و اثر آن‌ها قائل نیست. عبور از این وضعیت اضطرار و احتضار احتیاج دارد به یک بازنگری در نوع مواجهه حاکمیتی با نهادهای میانی‌ا جمله مطبوعات. تا آن زمان و به امید چنین تحولی در نگاه حاکمیت، ما البته باید محافظان سنگرم مطبوعات باشیم و نشان دهیم که به‌رم تمامی بحران‌ها، همچنان به‌راه ما محافظان خود هستیم، چراغ به دست، کاستی‌ها را می‌ببینیم و ادر امور می‌کنیم.

● روزگاری که گفته می‌شود مطبوعات رو به مرگ‌اند، چگونه می‌توانیم امیدوار باشیم؟
مطبوعات در حالی شبیه به احتضار به سر می‌برند، اما من ترجیح می‌دهم از واژه مرگ مطبوعات استفاده نکنم. مطبوعات ما نشانسان به شماره افتاده است اما ما محکومیم به اینکه به بازگشت مرجعت اجتماعی مطبوعاتمان امیدوار باشیم. البته این امیدواری در ما تکلیف می‌کند که در چرایی وضعیت بحرانی اعتمادبه رسانه‌ها تأمل کنیم. واقعیت این است که مابه فقط با چران اعتماد به رسانه‌ها، که با چران اعتماد به نخگان، با چران اعتماد به روشن فکران، و با چران اعتماد به دانشگاهیان نیز مواجهیم. در یک گفت‌و‌انداز کلی، واقعیت این است که در حال‌سای گذشته از نهادهای مهم و اثر گذار ما مر جعت‌زدایی شده است. دانشگاه مرجعت خود را از دست داده است و ما دانشگاهمان را فقیر کرده‌ایم. مطبوعات ما مرجعت خود را از دست داده‌اند و از آن‌ها مرجعت ستانی شده است. تأثیر گذاری روشنفکری ما اندک است. چرا که از درخت نه تنها آبیاری نشده که چنان غلف‌ه‌ری پنداشته و چرخ‌مسوم بلا شده است. از این حیث باز هم تأکید می‌کنم که مطبوعات ما در یک شرایط استثنایی قرار ندراند. اصولاً نهادهای عرصه عمومی جامعه مدنی با در سای‌های گذشته به عنوان نهادهای میانی، جایگاه خود، از دست داده‌اند، چرا که نهاد قدرت و دولت-اصولاً به‌رم همه شمارهایی که در باره اهمیت این نهادهای ه‌مد، چندان آرزویی برای این نهادهای و اثر آن‌ها قائل نیست. عبور از این وضعیت اضطرار و احتضار احتیاج دارد به یک بازنگری در نوع مواجهه حاکمیتی با نهادهای میانی‌ا جمله مطبوعات. تا آن زمان و به امید چنین تحولی در نگاه حاکمیت، ما البته باید محافظان سنگرم مطبوعات باشیم و نشان دهیم که به‌رم تمامی بحران‌ها، همچنان به‌راه ما محافظان خود هستیم، چراغ به دست، کاستی‌ها را می‌ببینیم و ادر امور می‌کنیم.



ننگین جاویدی

j.avid@shahrara.com.ir

● آغازش به نیمه سال‌های دهه ۷۰ برمی‌گردد، اما اوج شکوفایی آن در سال ۱۳۸۸ رقم خورد. از همان جایی که هفته‌نامه به روزنامه تبدیل شد تا با نگاهی نو، هم‌گامی و روزگاری متفاوت پیشتر هر روز به خنده‌های شهرنواز مشهودی قدم بگذارد. روزنامه شهر آرا سوم خرداد آن سال رسماً تحول خود را جشن گرفت و به دنیای رسانه‌های روزانه وارد شد. از آن روز و آن سال، ۱۱سال گذشته است. هزاران مشکل شهری بیگیری و حل شده، شهرباندن محلی به همه معرف شریف شده‌اند، اخبار مهم مشهودی دنبال شده است که همشهری مشهودی با خواندن روزنامه محلی در جریان وقایع روز قرار بگیرد. مناسبت امروز ما فرارسیدن سالروز آغاز دوباره شهر آراست که به بهانه آن به خیابان‌های شهر رفتیم تا از زبان مخاطبان درباره روزنامه خودشان بی‌پرسیم. انتقادات را بی‌نسیویم و پیشنهادها را ثبت کنیم.

روزنامه دستیار من است!

گزارشی از مخاطبان شهرآرا که هم از دوست داشتنی‌هایش گفتند و هم از کمبودهایش

● اول روزنامه خواننده بعدرفت بیمارستان

به‌سختی از یله‌ها پایین می‌آید. هفتادساله می‌شود، دستیار دیگری ندارد. دستیار ما هم همین روزنامه است و اگر یک روز نباشد، گفته خودش سال‌هاست مشترک روزنامه هستند. باینکه خودش سواد ندارد و قادر به خواندن روزنامه نیست، از خبرها و موضوعات اطلاع دارد. چون شوهر و پسرش مشغول روزنامه هستند و خبرها را برایش می‌خواند. خودش ادامه می‌دهد؛ شوره‌م که‌بازنشسته شرکت‌با است. هرروز منتظر روزنامه است. چون تنها راه ارتباط سالمندان با بیرون همین روزنامه و تلویزیون است. فرارسیدن سالروز آغاز دوباره شهر آراست که به بهانه آن به خیابان‌های شهر رفتیم تا از زبان مخاطبان درباره روزنامه خودشان بی‌پرسیم. انتقادات را بی‌نسیویم و پیشنهادها را ثبت کنیم.

● دستیار ما هم همین روزنامه است

● خداه داد دل خبرنگاران برسد

● شهابه داد دل خبرنگاران برسد

● دستیار ما هم همین روزنامه است

● دستیار ما هم همین روزنامه است

● دستیار ما هم همین روزنامه است

● دستیار ما هم همین روزنامه است



● کاش روزنامه برای عدای ریگان با نیمه‌ها باشد

● کاش روزنامه برای عدای ریگان با نیمه‌ها باشد

● کاش روزنامه برای عدای ریگان با نیمه‌ها باشد

● کاش روزنامه برای عدای ریگان با نیمه‌ها باشد

● کاش روزنامه برای عدای ریگان با نیمه‌ها باشد

● روزنامه‌ها هم دوست داشتیم

● روزنامه‌ها هم دوست داشتیم

● روزنامه‌ها هم دوست داشتیم

● روزنامه‌ها هم دوست داشتیم

● روزنامه‌ها هم دوست داشتیم

● روزنامه‌ها هم دوست داشتیم

● مخاطب ورزشی دوست روزنامه

● مخاطب ورزشی دوست روزنامه

● مخاطب ورزشی دوست روزنامه

● مخاطب ورزشی دوست روزنامه



● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

● کتاب‌چشم‌هایم به صفحات عادت کند

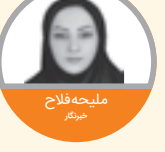
● رسانه‌های دیداری بهترین وسیله آموزش هستند

● رسانه‌های دیداری بهترین وسیله آموزش هستند



روزنامه‌های محلی دیگر مرز ندارند

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های خبری نیز در آن افزایش یافت. اما درست از همان روزها بود که خطوط مسرری رنگ باخت و شاهد انتشار



امیر حسین

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های خبری نیز در آن افزایش یافت. اما درست از همان روزها بود که خطوط مسرری رنگ باخت و شاهد انتشار روزنامه‌های محلی و شهری یک زد‌هایم. موسوی درباره نحوه پراخت روزنامه‌های محلی به یک موضوع جهانی مانند کرونا می‌گوید: اکنون دیگر بین مخاطب مطبوعات محلی، پایتخت و دیگر نقاط دنیا فرقی وجود ندارد. همه در این زمینه با اطلاعات و مسائل یکسانی در گیر هستند. او بر داشته شدن محدودیت‌ها و در دسترس بودن اطلاعات در هر جای دنیا از طریق اینترنت، تألعت این موضوع می‌داند و ادامه می‌دهد: فضای مجازی مشکل را رفع کرده و با قرار گرفتن روزنامه‌های محلی در فضای مجازی، مرزها کمرنگ‌تر شده است.

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های محلی چاپ شده است و حالا در فضای مجازی دست به دست می‌شود. موسوی درباره پاسخ به این سؤال که از زیبایی‌اش از وضعیت رسانه‌های محلی می‌کند؛ یکی از اصلی‌ترین موانع مشکلات اقتصادی و جذب روزنامه‌نگار و نویسندس خوب است.

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های محلی چاپ شده است و حالا در فضای مجازی دست به دست می‌شود. موسوی درباره پاسخ به این سؤال که از زیبایی‌اش از وضعیت رسانه‌های محلی می‌کند؛ یکی از اصلی‌ترین موانع مشکلات اقتصادی و جذب روزنامه‌نگار و نویسندس خوب است.

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های محلی چاپ شده است و حالا در فضای مجازی دست به دست می‌شود. موسوی درباره پاسخ به این سؤال که از زیبایی‌اش از وضعیت رسانه‌های محلی می‌کند؛ یکی از اصلی‌ترین موانع مشکلات اقتصادی و جذب روزنامه‌نگار و نویسندس خوب است.

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های محلی چاپ شده است و حالا در فضای مجازی دست به دست می‌شود. موسوی درباره پاسخ به این سؤال که از زیبایی‌اش از وضعیت رسانه‌های محلی می‌کند؛ یکی از اصلی‌ترین موانع مشکلات اقتصادی و جذب روزنامه‌نگار و نویسندس خوب است.

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های محلی چاپ شده است و حالا در فضای مجازی دست به دست می‌شود. موسوی درباره پاسخ به این سؤال که از زیبایی‌اش از وضعیت رسانه‌های محلی می‌کند؛ یکی از اصلی‌ترین موانع مشکلات اقتصادی و جذب روزنامه‌نگار و نویسندس خوب است.

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های محلی چاپ شده است و حالا در فضای مجازی دست به دست می‌شود. موسوی درباره پاسخ به این سؤال که از زیبایی‌اش از وضعیت رسانه‌های محلی می‌کند؛ یکی از اصلی‌ترین موانع مشکلات اقتصادی و جذب روزنامه‌نگار و نویسندس خوب است.

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های محلی چاپ شده است و حالا در فضای مجازی دست به دست می‌شود. موسوی درباره پاسخ به این سؤال که از زیبایی‌اش از وضعیت رسانه‌های محلی می‌کند؛ یکی از اصلی‌ترین موانع مشکلات اقتصادی و جذب روزنامه‌نگار و نویسندس خوب است.

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های محلی چاپ شده است و حالا در فضای مجازی دست به دست می‌شود. موسوی درباره پاسخ به این سؤال که از زیبایی‌اش از وضعیت رسانه‌های محلی می‌کند؛ یکی از اصلی‌ترین موانع مشکلات اقتصادی و جذب روزنامه‌نگار و نویسندس خوب است.

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های محلی چاپ شده است و حالا در فضای مجازی دست به دست می‌شود. موسوی درباره پاسخ به این سؤال که از زیبایی‌اش از وضعیت رسانه‌های محلی می‌کند؛ یکی از اصلی‌ترین موانع مشکلات اقتصادی و جذب روزنامه‌نگار و نویسندس خوب است.

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های محلی چاپ شده است و حالا در فضای مجازی دست به دست می‌شود. موسوی درباره پاسخ به این سؤال که از زیبایی‌اش از وضعیت رسانه‌های محلی می‌کند؛ یکی از اصلی‌ترین موانع مشکلات اقتصادی و جذب روزنامه‌نگار و نویسندس خوب است.

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های محلی چاپ شده است و حالا در فضای مجازی دست به دست می‌شود. موسوی درباره پاسخ به این سؤال که از زیبایی‌اش از وضعیت رسانه‌های محلی می‌کند؛ یکی از اصلی‌ترین موانع مشکلات اقتصادی و جذب روزنامه‌نگار و نویسندس خوب است.

● شاید بتوان گفت آغاز افول مطبوعات کافذی از روزی بود که اینترنت همگانی شد و ععرش اندام رسانه‌های محلی چاپ شده است و حالا در فضای مجازی دست به دست می‌شود. موسوی درباره پاسخ به این سؤال که از زیبایی‌اش از وضعیت رسانه‌های محلی می‌کند؛ یکی از اصلی‌ترین موانع مشکلات اقتصادی و جذب روزنامه‌نگار و نویسندس خوب است.